

پژوهشنامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ

سال اول، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۸۸

تأثیر مناسبات اجتماعی
در شکل‌بندی کالبدی شهر ایرانی - اسلامی
بر اساس رویکرد نمونه‌وار به شهر ری در عصر سلجوقی

شهرام یوسفی فر^۱
سید محمد حسین محمدی^۲

چکیده

تأکید بر شکل تاریخی شهر و توجه به ویژگی‌های کالبدی آن، بدان علت است که بافت شهری را می‌توان بازتاب ساختار اجتماعی در جامعه‌ی شهری دانست. در واقع، از طریق اتخاذ رویکرد تحلیل شکل شهر و بررسی کالبدی آن، فهم و تحلیل مناسبات شهرنشینی و اوضاع و احوال اجتماعی حاکم بر شهر در یک دوره‌ی تاریخی تسهیل می‌شود. به‌طور کلی، فضا و کالبد شهر و نظام اجتماعی حاکم بر آن در تعامل مستقیم با یکدیگر قرار دارند. همان‌گونه که ساختار کالبدی شهر و نحوه‌ی چیدمان عناصر شهری، بر نظام اجتماعی تأثیرهایی در برخواهد داشت، مناسبات اجتماعی نیز برعکس بر بافت شهری اثرهای ژرفی بر جای می‌نهد. ویژگی‌های

۱. دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی

مناسبات اجتماعی شهر ری را در چند محور کلی بدین صورت می‌توان دسته‌بندی نمود: الف) علل بیرونی: ۱. دوره‌ی سلجوقی عصر انحطاط مکتب اعتزال، به عنوان نماینده‌ی گرایش‌های عقلی و فلسفی، است ظهور اشاعره و استیلاهی روح اشعری-گری در جامعه‌ی اسلامی، به برقراری دوره‌ای از تعصبات دینی و مذهبی و جمود فکری در ری انجامید. ۲. دخالت حکومت سلجوقی در امور دینی و مذهبی و حمایت از گروه و فرقه‌ای علیه سایر فرق و مذاهب، بر آشفتگی‌های اجتماعی می‌افزود و شهر ری را با بحران اجتماعی دامنه‌داری مواجه نمود. ب) علل درونی: ۱. شهر ری در این ایام از مرکزیت علمی و آموزشی برخوردار بود و در کانون توجه فرق و مذاهب اسلامی قرار داشت. این شهر محل آمد و شد علما و نخبگان دینی و علمی به حساب می‌آمد و این امر، ری را محل تضارب آرا و اندیشه‌ها می‌نمود. ۲. خصایص جمعیتی ری، که از لحاظ قومی و مذهبی همگونی نداشت، زمینه‌ی مساعدی برای دسته‌بندی و صف‌بندی‌های اجتماعی بین ساکنان شهر ایجاد می‌کرد. موارد یاد شده، زمینه‌ی بروز ستیزه‌های اجتماعی گسترده و مستمر بین گروه‌های شهری را فراهم آورد، که وجه غالب مناسبات اجتماعی را در ری شکل می‌داد. تغییرات کالبدی فضای شهری و تفکیک آن به سه بخش کاملاً مجزا و مستقل از یکدیگر - مختص سه فرقه‌ی بزرگ مذهبی شهر - در رابطه با تحولات به وجود آمده در نظام اجتماعی شهر، پی‌گیری می‌شد. تفکیک فضای کالبدی شهر در تقسیم بندی عناصر اصلی ساختار شهری تجلی یافت. بدین معنی که هر یک از فرقه‌های شهر با تمرکز در بخش‌های متناسب به خود، به برپایی محله‌های مسکونی، مساجد، بازارها، مدارس و مراکز علمی و آموزشی خاص خود اهتمام ورزیدند. این امر، به گسترش شکاف و واگرایی هر چه بیشتر گروه‌های شهری انجامید و تشدید ستیزه‌های اجتماعی را در پی داشت.

تداوم این شرایط، شهر ری را به سوی بحران اجتماعی حادی سوق داد که حیات شهری را در آن به شدت تهدید می‌نمود.

واژه‌های کلیدی: مناسبات اجتماعی، تعصبات مذهبی، گروه‌های شهری، کالبد شهری، سلجوقیان، ری

مقدمه

موضوع مقاله‌ی حاضر، بررسی شکل تاریخی شهر ایرانی و مطالعه‌ی تغییرات و تحولات بافت شهری در ارتباط با تغییرات و تحولات به وجود آمده در نظام اجتماعی شهر ری است. در این مقاله به تبیین و تحلیل مراحل متفاوت تحول، تکوین و استقرار نهایی کالبد شهری ری در عصر سلجوقی خواهیم پرداخت. این موضوع بر اساس چهارچوب پژوهشی موردنظر، به شرح زیر بررسی می‌شود:

الف) مسئله: آیا تغییرات حاصل شده در فضای کالبدی شهر ری متناسب و همگام با تحولات اجتماعی به وجود آمده در آن شهر به وقوع می‌پیوست؟

ب) سؤال‌های پژوهش:

۱. روند تأثیرگذاری مناسبات اجتماعی- فرهنگی حاکم بر شهر ری بر فضای کالبدی آن چگونه صورت پذیرفت؟

۲. آیا کارکرد هریک از اجزاء و عناصر شهری در ری همسو و هماهنگ با تحولات اجتماعی به وقوع پیوسته در آن، پی‌گیری می‌شد؟
(ج) فرضیه‌های پژوهش:

۱. فرایند تأثیرپذیری فضای کالبدی شهر کاملاً منطبق با تغییرات و تحولات اجتماعی پی‌گیری می‌شد و کاملاً واضح است که متناسب با شدت و عمق تحولات اجتماعی، این فرایند نیز گاهی تند و گاهی کند ادامه می‌یافت. با توجه به تغییرات ژرفی، که در - عرصه‌ی مناسبات اجتماعی ری از هنگام ورود اسلام به این شهر، روی داد، کالبد شهر نیز مناسب با وضعیت جدید دستخوش تغییرات و تحولاتی شد که شکل نهایی خود را به صورت شهر ایرانی-اسلامی در عصر سلجوقی متحقق ساخت.

۲. با توجه به ارتباط متقابل ساختار اجتماعی و کالبد شهر، هرگونه تحول و دگرگونی در یکی از آن دو، مستلزم همراهی و هماهنگی طرف مقابل می‌بود. بنابراین، کارکردهای اجزاء و عناصر شهری در راستای تحولات به وجود آمده در نظام اجتماعی، پی‌گیری می‌شد؛ چرا که تنها از این طریق بود که اهالی شهر می‌توانستند نیازهای خود را در آن ایام عملی سازند. با عنایت به مباحث مطرح شده، بررسی موضوع موردنظر را دنبال می‌کنیم.

الف) ویژگی‌های بافت شهری

ویژگی کالبدی شهر ری در سده‌های نخستین اسلامی حکایت از استمرار الگوی کالبدی شهرهای سه بخشی ایران باستان دارد. ارگ یا کهن دژ ری در این ایام در شمال-شهر (جنوب کوه بی‌بی شهربانو) قرار داشت که در منابع اسلامی از آن با عنوان شهر بیرونی

یاد شده است.^۱ از دیر باز عمده استحکامات نظامی شهر ری در بخش شمالی آن و در کنار کوه قرار داشته است،^۲ تا از وضعیت حفاظتی طبیعی کوه در تحکیم موقعیت ارگ استفاده شود. به گفته‌ی یاقوت، قلعه‌ی ری موسوم به دژ زینبیدی، در ایام حضور مهدی عباسی در ری مرمت گردید و مقر حکام ری به حساب می‌آمد^۳ و بر مسجد جامع و دارالاماره مشرف بود.^۴ این دژ با خندقی که بر گرد آن کشیده شده بود حفاظت می‌شد.^۵ شهر بیرونی مشتمل بر ارگ یا کهن دژ، عمارات حکومتی و مسجد جامع بود که به نام محمدیه شهرت داشت، و شهر درونی یا شارستان، که بخش اصلی شهر را شامل می‌شد، در کنار آن قرار داشت و با خندقی نیز محافظت می‌شد.^۶ ظاهراً نام محمدیه که به شهر بیرونی (کهن دژ) اطلاق می‌شد، از اواسط قرن دوم به بعد بر کل مجموعه‌ی شهری تعمیم یافت. بجز شارستان و ارگ، دیگر مکان‌های شهر که در اطراف آنها شکل یافته بود، در شمار ربض قرار می‌گرفت.^۷ اما نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت و توجه بدان ضروری به نظر می‌رسد، این است که استمرار الگوی کالبدی شهرهای پیش از اسلام در سده‌های نخستین اسلامی هرگز به منزله‌ی تداوم نظام

۱. یاقوت حموی، (۱۳۸۳) معجم البلدان، ج ۲، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ص ۵۹۹.

۲. احمد بن عمر ابن رسته، (۱۳۶۵)، اطلاق النفیسه، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر، ص ۱۹۸.

۳. یاقوت حموی، همان جا.

۴. احمد بن یحیی بلاذری، (۱۳۶۴) فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، تصحیح محمد فروزان،

تهران، سروش، ص ۷۹.

۵. یاقوت حموی، همان جا؛ ابن فقیه همدانی، (۱۳۴۹)، ترجمه‌ی مختصر البلدان، ترجمه‌ی ح- مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ

ایران، ص ۱۴۹.

۶. همان جا.

۷. ربض شهری شامل شهر ری پیش از اسلام و جیل آباد و دیگر بناهای شهری می‌شد. جیل آباد بخشی از شهر ری بود که توسط

مرداویج زیاری دربخش شرقی ری ساخته شده بود: «...در جهت شرقی ری مکانی است به نام جیل آباد...مرداویژ آن را بنا

نمود. هرکس این آثار را می‌بیند بدون تردید گمان می‌کند که از ساختمان‌های قدیم خسروی می‌باشد...» (ابودلف، ۱۳۵۴، صص ۷۳-

۷۲).

اجتماعی عصر باستان در دوره اسلامی نبود، بلکه عناصر اصلی شکل شهر ایرانی بر اساس وضعیت جدید اجتماعی که محصول ظهور اسلام در ایران بود، سامان‌دهی و سامان‌یابی مجدد شد.^۱ بر این اساس، بر اثر تغییرات عمیقی که در جهان بینی و نظام اجتماعی ساکنان شهر ری ایجاد گردیده بود، به تدریج دگرگونی‌های جدی در فضای شهری به وجود می‌آمد که بر اساس ارزش‌ها و قوانین جدید اسلامی در فضای شهری پی‌ریزی می‌شد. بر هم‌زدن نظام سلسله مراتب اجتماعی عصر ساسانی و حذف ساختار طبقاتی، و جایگزینی تعالیم جدید بر مبنای روح برابری اسلامی- به همراه سایر عوامل همچون توسعه‌ی مناسبات اقتصادی و رشد نظام تولید کالایی، و گسترش مناسبات شهر نشینی - به سامان‌دهی جدی در فضای کالبدی شهر انجامید که عملاً تمام ارکان و عناصر شهری را در مجموعه‌ای واحد به نام ربض نظم می‌داد. قرون نخستین اسلامی بستر زمانی چنین تحولی را فراهم آورد. از عصر سلجوقی به بعد است که می‌توان تغییرات اساسی در بافت کالبدی شهر ری را ردیابی نمود.

شهر ری در عصر سلجوقی به رشد یافته‌ترین سطح مناسبات شهری و توسعه‌ی کالبدی دست‌یافت و به نوعی، شکل و ریخت نهایی خود را محقق ساخت. عصر آل‌بویه و سلاجقه‌ی بزرگ، به ویژه هنگام صدارت خواجه نظام الملک، از درخشان‌ترین اعصار توسعه و رونق شهری در ری به حساب می‌آید. با روی کار آمدن حکومت‌هایی که زمینه‌ی مناسبی برای افزایش تولید کالا و مبادلات اقتصادی فراهم می‌آوردند، شهر ری در تمام زمینه‌ها به پیشرفت‌های قابل توجهی نایل گردید.

رشد نظام تولید کالایی و توسعه‌ی بخش اقتصاد شهری و مناسبات اجتماعی، به فضا و کالبدی متناسب با شرایط تازه نیاز داشت. از این رو، فضای کالبدی مورد نیاز برای گسترش

۱. شهرام یوسفی فر، (۱۳۸۴)، «تأملاتی در مقوله‌ی شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه‌ی تاریخ ایران»، فصلنامه‌ی فرهنگ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش مسلسل ۵۴، ص ۲۲۱.

فعالیت‌ها و استقرار گروه‌های رشد‌یابنده‌ی بخش اقتصاد شهری در منطقه‌ی ریح شهر ایرانی- اسلامی شناسایی و گسترش یافت.^۱ بر این اساس، منطقه‌ی ریح شهر ری، که می‌توانست جوابگوی شرایط تازه باشد، به سرعت توسعه یافت و به هسته‌ی اصلی فضای شهری در این دوره مبدل گشت. اهمیت‌یابی منطقه‌ی ریح و انتقال و استقرار نهایی عناصر عمده‌ی شهری از شار درونی و کهن دژ به منطقه‌ی ریح، به بهای تنزل اهمیت دیگر بخش‌های شهری (کهن دژ و شار درونی) صورت‌گرفت؛ چنانکه ابن حوقل می‌نویسد: «... و بیشتر شهر [شارستان] خراب، و آبادانی در حومه‌ی آن [ریح] واقع است؛...»^۲. با اهمیت یافتن منطقه‌ی ریح، شاهد ظهور دیگر اجزای سازنده‌ی ساختار شهری از جمله محله‌ها، مساجد، بازارها و دارالاماره، که بخش سیاسی ساختار شهری را شامل می‌شد، هستیم. این امر ریح را به تنهایی واجد تمام نقش‌ها و کارکردهای شهرهای سه‌بخشی ایران پیش از اسلام می‌نمود. در این راستا، منطقه‌ی ریح به ناحیه‌ی اصلی فعالیت‌های اقتصادی تبدیل شد. به طوری که تمام بازارهای ری نیز در منطقه‌ی ریح استقرار یافت.^۳

ویژگی مهم دیگر ساختار کالبدی شهر ری در عصر سلجوقی، تفکیک فضایی شهر براساس الگوی مذهبی بود. بر اساس آنچه که یاقوت حموی در اوایل سده‌ی هفتم هجری قمری ذکر می‌کند، فضای کالبدی این شهر پرمجمیت به سه بخش مذهبی کاملاً متمایز تقسیم شده بود. بدین معنی که پیروان سه فرقه‌ی بزرگ اسلامی شهر، حنفی و شافعی و

۱. همان، صص ۲۲۲-۲۲۱.

۲. ابوالقاسم محمد ابن حوقل (۱۳۶۶)، *سفرنامه‌ی ابن حوقل*، ترجمه‌ی جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، ص ۱۲۱؛ ابواسحق ابراهیم اصطخری، (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه‌ی محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ص ۲۱۷.

۳. بوعبدالله مقدسی، (۱۳۸۳)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ص .

شیعه، هر یک در بخش‌های شهری منتسب به خود زندگی می‌کردند.^۱ بدیهی است که روند تدریجی تفکیک فضایی شهر از مدت‌ها قبل آغاز شده بود و سرانجام شکل نهایی خود را در این ایام به دست آورد. تفکیک فضای کالبدی شهر بین فرق، در تقسیم‌بندی عناصر و مراکز اصلی شهر نیز تجلی یافت. بدین معنی که هریک از فرق مذهبی شهر در محله‌های جد-آگاهانه‌ای استقرار یافتند و مساجد و مراکز علمی و آموزشی خاص خود را در بخش‌های منتسب به خود برپا کردند، که بالطبع دسترسی به آنها برای پیروان دیگر مذاهب امکان‌پذیر نبود؛ اگر چه رغبتی نیز بدین کار نشان داده نمی‌شد.

حال با عنایت به مباحث مطرح شده، به تبیین وضعیت کالبدی و اجزاء و عناصر ساختار شهری ری در عصر سلجوقی و بررسی کارایی و کارکردهای هر یک از آنها می‌پردازیم. منابع تاریخی و جغرافیایی درخصوص وضعیت کالبدی و ویژگی‌های اجتماعی شهر ری در دوره‌ی مورد بحث مطالب ناچیزی ارائه می‌کنند. بیشترین و غنی‌ترین آگاهی‌ها را در این خصوص، کتاب *ارزشمند/التقص* در اختیار ما می‌گذارد. یکی از مسائلی که می‌توان از لابه‌لای مطالب *التقص* به‌دست‌آورد، آگاهی‌های مربوط به محله‌ها، مساجد و مدارس شهر (به عنوان عناصر اصلی ساختار شهری) در دوره‌ی سلجوقی است. بر این اساس، کتاب مذکور مأخذ عمده‌ی ما در مباحث طرح شده می‌باشد.

۱. یاقوت حموی، همان، ص ۵۹۸.

ب) اجزاء و عناصر ساختار شهری ۱. محله‌های مسکونی

عوامل متعددی چون عوامل جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌توانست موجب تجمع گروه‌های انسانی در فضایی با حدود و ثغور مشخص شود. از قرن سوم هجری به بعد عامل دین از عوامل مهم همبستگی و اجتماع ساکنان شهرها در کنار یکدیگر شد. عواملی که موجب همبستگی بین ساکنان محله‌های یک شهر می‌شد، به همان اندازه که برای زندگی اجتماعی اهالی محله مفید بود، می‌توانست برای حیات اجتماعی شهر نتایج منفی نیز در برداشته باشد و از همبستگی آنان بکاهد. اختلافات بین ساکنان یک یا چند محله در شهر ممکن بود به سادگی تبدیل به درگیری و جنگ بین اهالی آن گردد. در شهر ری شافعیان، حنفیان و شیعیان، ضمن اختصاص دادن یک یا چند محله به خود، تأسیسات و مراکز شهری خاص خود را هم احداث کرده بودند.

روند فزاینده‌ی گرایش‌های اعتقادی در این دوره، که گسترش و تعمیق تعصبات مذهبی را در پی داشت، مناسبات اجتماعی در ری را بر این اساس سامان داد و سبب شکل‌گیری محله‌هایی با گرایش‌های مذهبی هماهنگ شد، که از آنها به عنوان محله‌های اختصاصی- (محله‌های خاص معتقدان به یک مذهب) یاد می‌کنیم. شکل‌گیری محله‌های مذهبی، منبعث از تفاوت‌ها و تضادهای شدید اجتماعی- فرهنگی حاکم بر شهر بود؛ به نوعی که مفهوم جدیدی از محله را سبب گردید؛ محله‌هایی که به همان اندازه که در درون خود از هم‌گرایی برخوردار بوده‌اند، با محله‌های مجاور غیر هم‌مذهب واگرایی شدیدی داشتند. بر این اساس بود که گاه ارتباط برخی محله‌های شهر ری با روستاهای اطراف و سایر نقاط دورتر، اما هم‌مذهب، بسیار دوستانه‌تر از رابطه‌ی آن محله با محله‌های غیر هم‌مذهب مجاورش بود. در درگیری‌های میان حنفیان و شافعیان ری، حنفیان روستاهای اطراف، به منظور کمک به

همکیشانان به ری می‌آمدند، و بعد از اتمام نزاع و درگیری به روستاهایشان باز می‌گشتند.^۱ این گونه منازعات و ستیزه‌های اجتماعی درون شهری را، که بین ساکنان شهر پی‌گیری می‌شد و اغلب به شکل منازعه‌ی جسمانی و مستقیم، همراه با تخریب عناصر و تأسیسات شهری به وقوع می‌پیوست، شهر- جنگ می‌نامیم. بر پایی و تداوم شهر - جنگ‌ها نتایج زیان‌باری در عرصه‌ی مناسبات شهری بر جای گذاشت و ضربات جبران‌ناپذیری بر اجزاء و عناصر ساختار کالبدی شهر، که بستر برآورده شدن نیازهای اهالی شهر بود، وارد کرد. استمرار این شرایط در دراز مدت سبب استحاله‌ی نیروهای اجتماعی و رکود حیات اقتصادی و اجتماعی شهر را فراهم آورد.

در هنگام وقوع شهر- جنگ‌ها، اهالی شهر به تخریب تأسیسات و مراکز شهری یکدیگر می‌پرداختند. در چنین شرایطی، اهمیت مرزبندی‌های داخل شهر که بین محله‌های اختصاصی وجود داشت، نسبت به حصار دفاعی گرد شهر که بزرگترین مانع تدافعی شهر در مقابل دشمنان خارجی به حساب می‌آمد، افزایش یافت. نا امنی و دشمنی در این دوره از تاریخ شهر ری در داخل آن جستجو می‌شد. شناسایی دشمن با محک مذهب صورت می‌گرفت. سراسر شهر به دو گروه بزرگ هم مذهب و غیر هم مذهب تقسیم می‌شد و گروه غیر هم مذهب، به‌عنوان عناصر نامطلوب و دشمن قلمداد می‌شدند و هر یک از طرفین حاضر به مقابله و منازعه تا پای جان با یکدیگر بودند. بر این اساس، اهالی شهر به منظور دستیابی به امنیت در مقابل این دشمنان داخلی، در بخش‌های شهری مربوط به خود متراکم می‌شدند و در مقابل هر امری که به این اصل خدشه وارد سازد، ایستادگی می‌کردند، چرا که می‌پنداشتند تنها از این طریق می‌توانند به امنیت حقیقی دست یابند. مشخص است که این امر چه تأثیرات نامطلوبی بر مناسبات اجتماعی شهر در پی داشت.

۱. یاقوت حموی، همان جا.

بر اساس گزارش منابع، هجوم مغولان (به عنوان یک دشمن خارجی مشترک غیرمسلمان) به شهر نیز نتوانست چند صباحی گروه‌های اجتماعی و اهالی شهر را به دور از هیاهوهای دینی و اجتماعی برای مقابله با یک دشمن مشترک خاص، گرد هم آورد. در چنین شرایطی، شافعیان شهر ری، به واسطه‌ی همکاری با مغولان، قول مساعدت ایشان را به منظور از بین بردن دیگر فرقه‌های شهر (سایر همشهریان) به دست آوردند.^۱ این امر به‌خوبی عمق گسست اجتماعی حاکم بر شهر ری را نشان می‌دهد؛ امری که در نهایت زمینه‌های انحطاط حیات شهری یکی از "مادر شهرهای افتخار آمیز" ^۲ "عالم اسلام را در پی داشت.

گروه‌های شهری قادر به گرد هم‌آیی در یک انشعاب وحدت بخش کلی‌تر به عنوان ساکنان یک شهر با نام همشهریان [با رعایت پیوندها و مشخصه‌های مفهومی وحدت بخشی که این واژه داراست، مانند: احساس مشترک بین ساکنان شهر، منافع شهری مشترک، خطرات و تهدیدات خارجی مشترک و غیره] نبودند. در این راستا، مفاهیمی چون منافع گروهی (در تقابل با منافع شهری، که علائق و خواسته‌های کل مجموعه‌ی شهری را در بر داشت)، و گروه‌های هم‌مذهب یا هم‌مذهبان (که در تقابل با مفهوم همشهریان قرار داشت) مطرح می‌گردد. منافع گروهی توسط هر یک از فرق در جهت انتفاع ساکنان همان بخش از شهر، و به ضرر سایر بخش‌ها، پی‌گیری می‌شد. به دیگر سخن، منافع گروه‌های شهری در اکثر موارد در تضاد با یکدیگر بود. این امر به شکل‌گیری شهرک‌های خودمختار و مستقلی انجامید که رسالت تضعیف و نابودی رقیب را، به منظور بقای خود، در پیش گرفتند. امری که

۱. غیاث‌الدین بن هماد خواند میر، (۱۳۶۲)، *حبیب‌السير فی اخبار افراد بشر*، ج ۳، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی

خیام، صص ۳۳-۳۲.

۲. ابو عبدالله مقدسی، همان، ج ۲، ص ۵۸۲.

به وحدت کالبدی مجموعه‌ی شهری از درون آسیب‌های جدی وارد آورد و در نهایت زمینه‌های انحطاط حیات شهری را در ری فراهم نمود.

نام تعدادی از محله‌های اختصاصی ری را در کتاب ارزشمند *التقص می‌توان یافت*: «... لشکر آل مرتضی‌[دانی] که باشند. شیرمردان فلیسان باشند و سپاه سالاران در عابش، و سادات در زاد مهران و جوانمردان در مصلگاه [مصلحگاه] و معتقدان در رشقان و... نه مستی دوغ بازی سیاه قفا، بی‌نوی پرجفا، اموی طبع، مروانی رنگ، خارجی شکل مجبر اعتقاد، قدری مذهب، مشبهی دعوی چون قمار بازان در کنده و سواسان پالانگران و خرکولان باطان و خردزدان در شهرستان و...»^۱

عبدالجلیل رازی در بخش اول مطالبش با زبان تمجید به ذکر محله‌های مسکونی شیعیان پرداخته است: محله‌ی فلیسان (بلیسان)، در عابش، در زادمهران، در مصلگاه و در رشقان (دژ رشکان واقع در ری برین در شمال غربی شهر ری) از جمله‌ی این محله‌ها هستند. ظاهراً از مشهورترین و مهم‌ترین محله‌های شیعه‌نشین ری، محله‌ی مصلحگاه (در مصلحگاه یا مصلگاه) بوده است. چنانکه راوندی (که بر مذهب اهل سنت بود) شعری در مذمت محله‌ی مصلحگاه ری و برخی شهرهای شیعه مذهب آورده است، بدین مضمون که:

خسروا هست جای باطنیان قم و کاشان و آبه و تفرش
آب روی چهار یار بدار و اندرین چار جای زن آتش
پس فراهان بسوز و مصلگاه تا چهارت ثواب گردد شش^۲

۱. عبدالجلیل نصیرالدین ابوالرشید قزوینی رازی، (۱۳۳۱)، *بعضی مثال النواصب فی تقص بعض فضائح الروافض*، ج ۱، تصحیح

میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، چاپخانه‌ی حیدری، ص ۴۷۵.

۲. ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان راوندی، (۱۳۶۴)، *راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال

و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ص ۳۹۵.

عبدالجلیل، در بخش بعدی مطالب یاد شده، به نکوهش و مذمت چند محله‌ی سنی- نشین می‌پردازد. محله‌های درکنده، پالانگران، باطان و در شهرستان از این جمله هستند. از دیگر محله‌های شیعه نشین شهر ری یکی هم محله‌ی "زعفران گاه" یا "زعفران جا" بود. این مکان ظاهراً جایی به حساب می‌آمد که شیعیان در آن مراسم عزاداری به پا می‌کردند. عبدالجلیل رازی در این مورد می‌نویسد: «...که بسی مردم [اهل سنت] جامه‌ها چاک کردند و خاک پاشیدند و سرها برهنه کردند و زاری‌ها نمودند. حاضران می‌گفتند که زیادت از آن بود که شیعه به زعفران جای [زعفران گاه] کنند.»^۱

قوامی (شاعر اهل ری) از مدفن امامزاده‌ی مقتولی که در محله‌ی زعفران جای ری بوده خبر می‌دهد:

میر امامزاده که چون او نیافرید تا از عدم خدای هم بنده آورد
از شوم قتل آن تن بی‌سر بدیع‌نیست گر جویبار سرو سرافکنده آورد

.....

آرد به زعفران جا هر سال گریه‌ها آن زعفران که خاصیتش خنده آورد^۲
بر این اساس، این محل را از محله‌های اقامت و سکونت شیعیان باید دانست، چرا که شیعیان ری در اطراف مقابر امامزادگان و بزرگان شیعی مدفون در شهر سکونت می‌کردند.^۳ نام تعدادی دیگر از این گونه محله‌های اختصاصی ری را می‌توان از قصیده‌ی ابن کربویه‌ی رازی، که در وصف ری سروده شده است، به‌دست آورد: «... و پولادین قصر اسحاق که بر چمنزاری که تا دروازه‌ی فلیسان (بلیسان) رفته است مشرف است. و در روزه چه

۱. عبدالجلیل نصیرالدین ابوالرشید قزوینی رازی، همان، ص ۴۰۶.

۲. بدرالدین قوامی رازی، (۱۳۳۴) دیوان قوامی رازی، تصحیح میرجلال الدین ارموی، تهران، چاپخانه‌ی سپهر، ص ۱۶.

۳. رسول جعفریان، (۱۳۸۵)، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، قم، انصاریان، ص ۴۰۷.

تپه‌ها و چشم‌اندازهای زیبا هست که همه به راه باریک دروازه‌ی باطن رسد و در ناهک [ناهق] چه سرای هاست که من دل در گرو آنها دارم و چه آهوآنی که در دامنه‌ی آبگیرها همی چرند...»^۱.

چنان‌که مشهود است شاعر به محله‌های دروازه‌ی فلیسان، روزه، دروازه‌ی باطن و ناهک (ناهق) در این شعر اشاره دارد. در *النقض* نیز آمده‌است: «... در بیشتر بقاع، که تربت‌های سادات است، سنیان خواب دیده‌اند، چنانکه به بارک‌قرب و ساوه و به ناهق و باطن ری...»^۲. محله‌ی ناهک (ناهق) به دلیل اینکه مدفن یکی از امام‌زادگان (سادات) بوده‌است، مورد توجه شیعیان ری قرار داشت و علی‌القاعده می‌بایستی از محلات مسکونی شیعیان بوده باشد. اما در خصوص محله‌ی باطن، که به‌عنوان دروازه‌ی باطن از آن یاد شده‌است، چنین به نظر می‌رسد که بخشی از این محله متعلق به شیعیان بوده و بخشی دیگر به اهل سنت شهر اختصاص داشته‌است.^۳

تعیین وضعیت مذهبی محله‌ی روزه از این عبارت عبدالجلیل مشخص می‌شود که «... مناقب خوانان در قطب روده و به رشته نرمه و سرقلسان [فلیسان] و مسجد عتیق همان خوانند که به دروازه‌ی مهران و مصلح‌گاه...»^۴. بر این اساس، محله‌ی روده از محله‌های سنی‌نشین شهر به حساب می‌آمده که مناقب‌خوانان شیعی در آن محله، همچون محله‌های شیعه‌نشین دروازه‌ی مهران و مصلح‌گاه، به بیان مدح خاندان عصمت و طهارت می‌پرداختند. عبدالجلیل رازی در هنگام شرح مدرسه‌های شهر ری نام چند محله را نیز یادآور می‌شود: «... مدرسه‌ی بزرگ سید تاج‌الدین محمد کیکی رحمه‌الله‌علیه به کلاه دوزان که مبارک

۱. ابن فقیه همدانی، همان، ص ۱۱۰.

۲. قزوینی رازی، همان، ج ۱، ص ۴۴۱.

۳. حسین کریمان، (۱۳۴۵) *بری باستان*، ج ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ص ۱۹۰.

۴. قزوینی رازی، همان، ج ۱، ص ۴۱.

شرفی فرموده است...»^۱ با توجه به اینکه سید تاج الدین محمد کیکی از بزرگان شیعی عصر خود به حساب می‌آمد لذا این مدرسه از مدارس شیعی شهر محسوب می‌شد و می‌بایست در بخش مسکونی شیعیان شهر قرار داشته باشد، که طالبان علوم این‌گونه مدارس در آنجا یافت می‌شده‌اند. بر این اساس، مدرسه‌ی «کوی فیروزه» و «مدرسه‌ی خواجه امام رشید رازی به دروازه‌ی جاروب بندان...»^۲ را نیز که در زمره‌ی مدارس شیعی شهر ری بودند، بایستی در محله‌های شیعه‌نشین شهر بوده باشند. بنابراین، محله‌های کوی فیروزه و دروازه‌ی جاروب بندان را نیز، که این مدارس را در خود جای داده بودند، باید در زمره‌ی محله‌های شیعه‌نشین شهر ری دانست. در قصیده‌ی ابن کربویه، که پیشتر از آن یاد شد، به محله‌ای با نام ساسان اشاره شده است که ساکنان آن را گروه‌هایی از اهالی زرتشتی ری تشکیل می‌دادند، که در بخش شمال غربی شهر ساکن بودند.^۳

بر اساس روایت عبدالجلیل رازی و یاقوت حموی، بیشتر ساکنان شهر ری را شیعیان تشکیل می‌دادند.^۴ از این رو، می‌توان حدس زد که بخش شیعه‌نشین ری از دو بخش سنی-نشین دیگر بزرگتر و دارای محله‌های بیشتری بوده باشد. شیعیان شهر بیشتر در بخش‌هایی از شهر استقرار یافته بودند که مقابر امامزادگان و بزرگان شیعی، از جمله مقبره‌ی حضرت عبدالعظیم (ع)، امامزاده طاهر، امامزاده حمزه، امامزاده عبدالله و غیره، در آنها قرار گرفته بود. بر این اساس، مغرب، جنوب و جنوب شرقی ری جایگاه شیعیان شهر بوده است. گروه‌های اهل سنت شهر نیز در مشرق شهر ری، در پهنه‌ی واقع در جنوب کوه بی‌بی شهربانو، مقیم بوده‌اند. این منطقه خود به دو بخش تقسیم می‌شد. سراسر ربض شرق ری و بخش

۱. قزوینی رازی، همان، ج ۱، ص ۴۷.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸.

۳. ابن فقیه همدانی، همان، ص ۱۱۱.

۴. یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۵۹۸؛ قزوینی رازی، همان، ج ۱، ص ۴۹۰.

شمالی شهر، که در پای کوه بی‌بی شهربانو قرار داشت و شامل کهن دژ و پاره‌ای از بخش-های شارستان شهر می‌شد، در محدوده‌ی بخش حنفی‌نشین قرار داشت. از پهنه‌ی سنی-نشین شهر ری، پس از وضع بخش مخصوص حنفیان، آنچه باقی می‌ماند، به شافعیان تعلق داشت، که شامل بخش اعظم شارستان شهر می‌شد. بدین معنی که این بخش، قسمت مرکزی شهر را در بر می‌گرفت.^۱

در شهرهای سر راه و در دسترس و مناطق نا امن، ساکنان محله‌های شهر برای دفاع و در امان ماندن از خطرات و هجوم‌های داخلی و خارجی، منازل خود را در کوچه‌های تنگ و پر پیچ و خم بنا می‌کردند تا دسترسی به آنها دشوار باشد.^۲ در برخی شهرها، محله‌ها با دروازه-هایی از سایر نقاط شهر جدا می‌گردید تا در مواقع آشوب و نا امنی، و به‌ویژه در هنگام شب، بسته شوند. چنانکه ناصر خسرو،^۳ که در سال ۴۴۴ ه.ق از اصفهان دیدن کرد، می‌گوید همه-ی محله‌ها و کوچه‌های آن شهر، دروازه‌ها و در بندهای محکم داشته‌اند.^۴

برقراری شرایط شهر- جنگ در ری، ساکنان هر محله را در هنگام وقوع منازعات شهری بر آن می‌داشت که اقدامات دفاعی لازم را برای تأمین امنیت محله‌ها به‌کار برند؛ به-ویژه که این درگیری‌ها (با توجه به تفکیک مناطق حنفی، شافعی و شیعه‌نشین از یکدیگر) به شکل منازعات محله‌ها با یکدیگر دنبال می‌شد. با عنایت به شواهد موجود، محله‌های ری یا

۱. حسین کریمان، همان، ج ۱، صص ۸۵-۸۱.

۲. زکریا بن محمد قزوینی، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث ارموی، تهران، امیرکبیر، ص ۴۴۳.

۳. متأسفانه هیچ شرحی از ری در سفرنامه‌ی ناصر خسرو دیده نمی‌شود. شاید وی در سفر طولانی‌اش به نقاط مختلف جهان هرگز به ری وارد نشده باشد. اگر چه این امر با توجه به عبور راه‌های مختلف و بزرگ از این شهر تا حدودی بعید به نظر می‌رسد. به هر حال، عدم بیان شرحی از ری توسط ناصر خسرو، که اوضاع اجتماعی را نیز از نظر دور نمی‌داشت، ما را از آگاهی‌های ارزشمندی محروم کرده است.

۴. ناصر خسرو قبادیانی، (۱۳۷۲) سفرنامه‌ی ناصر خسرو، تصحیح م. مغنی زاده، تهران، منوچهری، ص ۱۳۸.

دست کم برخی از آنها که در بخش‌های نا امن‌تر و نزدیک‌تر به محله‌های رقیب قرار داشتند، دارای دروازه‌هایی برای تأمین امنیت ساکنان محله‌ها بودند، که به سبب اهمیت وجود آنها، و یا واقع شدن بخش اصلی محله در کنار این دروازه‌ها، نام محله‌ها با دریا دروازه همراه گردیده است.^۱

در شهر ری خانه‌های انبوه و فراوانی وجود داشتند که با کاشی و آجرهای براق به زیبایی تزیین شده بودند. یاقوت در توصیف خانه‌های ری می‌نویسد: «...شهری شگفت‌انگیز و زیباست و با آجرهای هندسی استوار براق و کبود رنگ و روغن کاری شده ساخته شده، هم‌چنان که سفال را رنگ آمیزی کنند. من خانه‌های ایشان را دیدم که در زیر زمین ساخته بودند و با راه‌های زیرزمینی و تاریک به یکدیگر می‌پیوست و رفتن در آنها بسیار دشوار بود و این به سبب یورش‌های پی‌درپی دشمنان بر ایشان بود و اگر ساختمان‌های ایشان در زیر زمین نبود، کسی در آنجا زنده نمی‌ماند...».^۲

در ری راه ورودی به خانه معمولاً تنگ و تاریک و دشوار ساخته می‌شد و درهای ورودی، مخصوصاً کوتاه گرفته می‌شد تا دسترسی به آنها برای بیگانگان آسان نباشد. خانه‌های ری پایین‌تر از سطح گذرگاه‌ها و کوچه‌ها ساخته می‌شد که با چند پله به حیاطی راه داشته که اتاق‌ها در اطراف آن بوده است، و از این روی، در نوشته‌ها آمده است که خانه‌های ری در زیر زمین کنده و ساخته می‌شده است. منابع، علت این امر را وقوع هجوم‌های خارجی

۱. در نام بسیاری از محله‌های ری از پیشوند در و دروازه استفاده شده است، مانند محله‌های در مصلحگاه، در کنده، باب الحرب، دروازه‌ی حنظله، در عابس. شایان توجه است که نام‌های یاد شده را نباید با نام دروازه‌های اصلی شهر، که در اطراف آن قرار داشت، و معبرهای اصلی شهر در امتداد آنها کشیده شده بود، اشتباه گرفت. برای روشن شدن این موضوع به نام دروازه‌های اصلی ری اشاره می‌کنیم: «... دروازه‌ی ماطلق [باطان: ضبط جیهانی] که از آن به جبال و عراق، و دروازه‌ی بلیسان که از آن به قزوین، و دروازه‌ی کوهک که از آن به طبرستان، و دروازه‌ی هشام که از آن به قومن و خراسان، و دروازه‌ی سین که از آن به قم بیرون روند...» (ابن حوقل، ۱۳۶۶، ص ۲۱).

۲. یاقوت حموی، همان جا.

و قتل و غارت بسیار ذکر کرده‌اند که حیات شهری را با خطر بزرگی روبه‌رو می‌کرد.^۱ اما عامل عمده‌ی دیگری که در شکل‌گیری این نوع معماری دخالت داشت، وقوع مناقشات داخلی در شهر بود. مردم ری، به علت اختلافات شدید مذهبی که با هم داشتند، و به حکم مقتضیات زمانه، برای حفظ جان و مال خویش به این سبک معماری روی آورده بودند. خانه‌های ری توسط راهروهای زیرزمینی به هم راه داشت، تا در مواقع خطر، ساکنان آنها توسط این راهروها به مناطق امن دسترسی یابند. به علت رواج نقب‌زنی در ری بوده است که اهالی آن را بهترین نقب‌زنان آن ایام شمرده‌اند: «...آنها در نقب‌زدن مهارت دارند و هیچ‌کس در این کار به پای ایشان نمی‌رسد. می‌گویند یک نفر از آنها می‌تواند چندین فرسخ زیرزمین و زیر رودهایی مانند دجله و رودهای بزرگ دیگر را نقب بزند و راه را باز کند. راهروهای زیرزمینی رازی ضرب المثل شده است...»^۲.

عدم امنیت مالی و جانی در شهر هنگام برپایی شهر- جنگ‌ها، به مهاجرت بسیاری از اهالی شهر، از جمله علما و بزرگان و جماعت هوادار آنان، به‌ویژه طلاب علوم دینی، انجامید. تخریب مراکز علمی و آموزشی در شهر، که از اهداف اولیه‌ی جبهه‌های متخاصم شهری به حساب می‌آمد، به از دست رفتن مرکزیت علمی و فرهنگی ری منجر شد. همچنین، نبودن امنیت لازم در شهر برای سرمایه‌گذاری و انجام‌دادن مبادلات تجاری و تخریب مراکز و زیر ساخت‌های شهری، به مهاجرت شماری از بزرگان، کسبه، پیشه‌وران و نیروهای فعال شهر منتهی گردید؛ به طوری که شهر ری توان اقتصادی خود را از دست داد و از هر حیث شرایط انحطاط حیات شهری در آن مهیا شد.

۱. زکریا بن محمد قزوینی، همان، صص ۴۴۳-۴۴۲؛ یاقوت حموی، همان جا.

۲. مسعربن المهلهل خزرچی الینبوعی معروف به ابودلف، (۱۳۵۴) سفرنامه‌ی ابودلف در ایران، تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه-ی سید ابوالفضل طباطبایی، تهران، کتابفروشی زوار، ص .

ری با از دست دادن بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت و عناصر ساختار شهری خود، از شکل شهری بزرگ و پرجمعیت، که با عنوان یکی از "مادر شهرهای افتخار آمیز" ایران و جهان اسلام شناخته می‌شد، در آمد؛ و از لحاظ کالبدی و جمعیتی به صورت شهری متوسط در اواخر عصر سلجوقی در عرصه‌ی مناسبات شهری در طی این دوره سیر نزولی پیمود.

مبحث ستیزه‌های اجتماعی گسترده و مستمر بین محله‌ها و گروه‌های شهری در ری، نمونه‌ای از وضعیت اجتماعی شماری از شهرهای ایران - همچون اصفهان و نیشابور، البته با شدتی به مراتب کمتر از آنچه در ری پی‌گیری می‌شد، پیش از حمله‌ی مغول - بوده، که متأسفانه تاکنون به این موضوع عنایت کافی مبذول نشده است. بی‌توجهی به چنین مباحثی سبب گردیده بسیاری از محققان در ارزیابی و تحلیل هجوم مغولان به ایران و فهم تحولات اجتماعی ناشی از آن در جوامع شهری، دچار قضاوت‌های نادرستی شوند. علل انحطاط و رکود حیات شهری برخی از شهرهای ایران - یا دست کم شهر مهم ری - را در قرون میانه‌ی تاریخ ایران، نمی‌توان مطلقاً به هجوم مغولان به این سرزمین نسبت داد. اگرچه ایلغار مغول ضربه‌ای مهلک و قطعی بر حیات شهری ایران وارد آورد، اما این مسأله نباید سبب غفلت و بی‌توجهی به سایر عوامل رکود مناسبات شهر نشینی در این مقطع از تاریخ ایران گردد.

۲. مراکز دینی و اعتقادی

چون حکومت اسلامی برای نخستین بار با مرکزیت مسجد بر پا گشت و این مکان در صدر اسلام کانون امور سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی امت اسلامی به حساب می‌آمد؛

۱. ابوعبدالله مقدسی، همان، ج ۲، ص ۵۸۲.

از این رو، مسجد از جایگاه والایی در شهر اسلامی برخوردار بوده و هست و یکی از ویژگی‌های اصلی شهر اسلامی به شمار می‌رود.

در دوران فتوحات اسلامی، نخستین مکانی که به هنگام فتح یک شهر ساخته می‌شد و یا آتشکده و کلیسایی بدان منظور تغییر شکل می‌داد، مسجد بود. از کارکردهای اصیل مساجد اولیه‌ی اسلامی تحکیم روح همبستگی و همگرایی در بین امت اسلامی بود. تعلیم و دستورات اسلامی در برپایی نماز جماعت و گردآمدن مسلمانان در چند نوبت در مساجد، همه حکایت از روح وحدت‌گرایانه‌ی آموزه‌های اسلامی دارد. گزارش‌های در خوری از تداوم این گونه کارکرد مساجد در برپایی روح هم‌پیوستگی میان مسلمانان، در دوران سلجوقی در شهر ری، در دست نیست. می‌توان چنین گفت که وضعیت مورد بحث، کم و بیش، در این دوره تحت تأثیر منازعات دینی در آمده بود. در واقع مساجد ری نیز، همچون سایر عناصر ساختار کالبدی شهر، بر اساس اولویت اعتقادی تفکیک گردید و هر یک از فرق شهر مساجد اختصاصی خود را داشتند که پیروان سایر مذاهب (مگر در مواردی خاص) به آنها تردد نمی‌کردند. این امر، به واگرایی بیش از پیش مسلمانان ساکن شهر انجامید.

عبدالجلیل رازی در خصوص انتساب مساجد به فرق مختلف شهر، می‌نویسد: «...مسجد طغرل است از آن حنفیان...» و «...مسجد عتیق از آنان که مذهب نجار^۱ دارند». ^۲ در *النقض* از دو مسجد اختصاصی دیگر نیز سخن به میان آمده است: «... از شهرهای عالم یکی ری است لابد و در او جامعی به روده هست از آن اشعری مذهب^۳...». ^۴ از مسجدی دیگر متعلق

۱. فرقه‌ی نجاریه یکی از فرق منتسب به مذهب حنفی می‌باشد. «... اصحاب ابوحنیفه؛ ایشان در اعتقاد پنج فرقت باشند، اول معتزله، دوم نجاری، سوم کرامی، چهارم مرجی، پنجم جبری...». (حسنی رازی، ۱۳۱۳، ص ۹۱).

۲. قزوینی رازی، همان، ج ۱، ص ۵۹۸.

۳. «فرقت پنجم از اصحاب شافعی، اشعری باشند». (حسنی رازی، ۱۳۱۳، ص ۹۹).

۴. قزوینی رازی، همان جا.

به اصحاب حدیث، از فرق منتسب به مذهب شافعی، نیز گزارشی در دست است که از آن با عنوان "جامع جدید"^۱ یاد شده است.

به علت منع شدید بزرگان دینی ری، اهالی شهر در مساجد یکدیگر حضور نمی‌یافتند. در قرن چهارم هجری و اندکی قبل از دوره‌ی سلجوقی، استفاده از مسجد جامع ری (جامع عتیق) برای گروه‌های حنفی و شافعی یک روز در میان بود تا آن دو به طور مساوی از امکانات این مسجد استفاده کنند، چرا که ایشان حاضر نبودند در کنار یکدیگر در مسجد حاضر شوند و آداب مذهبی خود را به جا آورند. مقدسی در این باره می‌نویسد: «...پیش‌نمازان جامع در ستیز با یکدیگرند، روزی از آن حنفیان و روز دگر از آن شافعیان می‌باشد...»^۲ یا «...حنفیان هرگز به جامع روده نماز نکنند و اقتدای به امامان اشعریان نکنند و اشاعره را اتفاق است که به مساجد حنفیان جماعت نکنند و علمای هر دو طایفه فتوی می‌کنند که [در] نماز هریک در جماعت بدان دگر، اقتدا روا نباشد کردن و چون حنفی اقتدا به شفعوی نکند و شافعی مذهب، اقتدا به حنفی روا ندارد، حساب شیعت هم بر این قیاس باشد، نماز تنها بکنند...»^۳.

فرق مذهبی در این مساجد بر اساس آداب و عقاید مذهبی خود به برپایی جلسات و عطا، نشر عقاید فقهی و برقراری مجالس درس، که با رد و طرد فقهی دیگر فرق همراه بود، می‌پرداختند. این امر، با توجه به فضای مناسبات اجتماعی و عقیدتی حاکم بر شهر، طبعاً پیامدهایی چون تشدید کدورت‌های فرقه‌ای و گسترش منازعات اجتماعی، به خصوص در سطح عامه‌ی مردم، به همراه داشت.

۱. تعبیر جامع جدید در این نقل در برابر جامع عتیق (مسجدی که مهدی عباسی در قرن دوم بنا نهاد) است این مسجد را سرهنگ ساوتکین از امرای سلجوقی بنا نهاد (قزوینی رازی، ۱۳۳۱، ص ۴۷).

۲. ابو عبدالله مقدسی، همان، ج ۲، ص ۵۸۳.

۳. قزوینی رازی، همان، ج ۱، ص ۵۹۹.

از دیگر مراکز عقیدتی شهر ری خانقاه‌ها بودند. از دو خانقاه به نام‌های خانقاه امیر اقبال و خانقاه علی عثمان، که محل اجتماع شیعیان ری بوده اند، آگاهی‌هایی در دست است. از روایت عبدالجلیل بر می‌آید که در این خانقاه‌ها برپایی نماز جماعت و ختم قرآن و اجرای مراسم مذهبی رواج داشته است.^۱ چنین به نظر می‌رسد که با گسترش رویارویی‌های مذهبی و رواج تعصبات دینی در این دوره، کارکرد خانقاه‌ها و اعمال و افعال گروه‌های صوفی تحت تأثیر شرایط حاکم تا حدودی تغییر و وضعیت داده و در هماهنگی و همگامی با اهل ظاهر و فقه‌های دینی، به رعایت ظواهر شریعت و اشاعه‌ی آن و برپایی مراسم مذهبی می‌پرداخته‌اند. چنانکه مراکز صوفیه کارکردی همچون مساجد یافتند و اختلافاتی که همواره بین گروه‌های متصوفه و علما و فقها در باب نحوه‌ی نگرش به دین و مسائل دینی داشتند، تا حدی کمرنگ شد. تصوف که اساس آن بر رعایت تسامح بود، تحت تأثیر احوال مذهبی عصر، از لوازم تسامح دور شد، و با ایجاد سلسله‌ها و تعدد آداب خانقاه‌ها، تدریجاً دچار روحیه‌ی تفرقه-جویی و فرقه‌گرایی گردید. به خصوص که چون صوفیه از جانب علمای مدارس غالباً به تمایلات الحادی متهم بودند، برای رفع این اتهام، مشایخ غالباً به ترویج، یا لاقلاً به هماهنگی با روحیه‌ی تعصب رایج در بین اهل عصر الزام شدند. این چرخش که از جانب گروه‌های صوفی بود، تحت تأثیر شرایط حاکم و در هماهنگی با آن به وجود آمد. در نتیجه‌ی این امر، خانقاه‌ها محل تجمع اهل شریعت و برپایی مراسم مذهبی گردید و ارتباط بیشتری بین فقها و شیوخ صوفی پدید آمد که تا آن ایام سابقه نداشت.

۱. همان، ج ۱، ص ۴۸.

۳. مراکز علمی و آموزشی

همزمان با افول علوم عقلی و فلسفه، قدرت‌یابی اهل سنت در عهد سلجوقی در زمینه‌ی تعلیمات مذهبی متمرکز شد و موجبات ایجاد مراکز علمی - آموزشی مشهوری چون نظامیه‌ها را با رویکرد به معارف دینی فراهم آورد. در این دوره احداث مدرسه یا مسجد با هدف عملی کردن تفکرات فرقه‌ای صورت می‌گرفت. احداث مساجد جامع توسط امراء و سلاطین سلجوقی^۱ به‌منظور پیشبرد منافع فرقه‌ی حنفی و برپایی مدارس نظامیه به دست خواجه نظام الملک برای تقویت و تأیید فرقه‌ی شافعی مؤید این مدعاست. همان‌گونه که راوندی گفته است، تعداد مدرسه‌ها، مسجدها و سایر بناهای مذهبی ساخته شده و میزان اوقاف اختصاص یافته به آنها و هزینه‌هایی که صرف علما، طلبه‌ها و سایر امور خیریه در این عهد شد، تا آن هنگام سابقه نداشت.^۲

از آنجا که بازار علوم عقلی و مباحثات فلسفی و علمی در این دوره، به سبب قدرت‌یابی اشاعره، دچار رکود اساسی شده بود، مدارس شهر ری نیز چون سایر مراکز علمی در اقصی نقاط ایران، جنبه‌ی صرفاً دینی یافت و اساس کارشان بر بنیان تعلیمات مذهبی و ترویج علوم دینی استوارگشت.^۳ دروس اصلی مدارس این دوره، از جمله نظامیه‌ها، را معارف دینی و علوم وابسته به فقه، اصول، کلام، فن خطابه، جدل، علم خلاف^۴ و مناظره تشکیل

۱. «...سلطان ملک‌شاه در اصفهان مدرسه‌ای بنا کرد در محله‌ی کران...» (هندوشاه نخبوانی، ۱۳۵۴، ص ۲۷۱)، همچنین، شرف‌الدین گرد بازو از امرای سلجوقی را در مدرسه‌ای که خودش در همدان بنا کرده بود، دفن نمودند (طهیر الدین نیشابوری، سلجوقنامه، ص ۷۹).

۲. ابوبکر محمد بن سلیمان راوندی، همان، ص ۱۳۴.

۳. همان، صص ۴۸-۴۷.

۴. فن خلاف یکی از شعب فن جدل است، و جدل نیز خود از صناعات پنجگانه‌ی منطق به شمار می‌رود. (منطق: برهان، خطابه، شعر، جدل و مغالطه). (جلال‌الدین همائی، ۱۳۱۸، ص ۲۲).

می‌داد. این دروس متناسب با شرایط حاکم بر جامعه برگزیده و تدریس می‌شد. تبحر در این دروس برای برتری در مجادلات دینی و مباحثات فقهی و کلامی در بین پیروان فرق اسلامی بسیار ضروری بود.

عبدالجلیل رازی به برخی از مدارس شیعی ری اشاره می‌کند که اکثراً در عصر سلجوقی بنا شده بود. نام مهم‌ترین این مراکز آموزشی عبارت بودند از: مدرسه‌ی تاج‌الدین محمد کیکی، مدرسه‌ی شمس‌الاسلام حسکا بابویه، مدرسه‌ی سادات کیکی، مدرسه‌ی فقیه علی جاستی، مدرسه‌ی خواجه عبدالجبار مفید، مدرسه‌ی کوی فیروزه، مدرسه‌ی خواجه امام رشید رازی، مدرسه‌ی شیخ حیدر مکی و مدرسه‌ی عبدالجلیل رازی.^۱ حضور عالمان بزرگ شیعی در این دوره و وجود مراکز آموزشی متعدد، شهر ری را به کانون فرهنگی شیعیان تبدیل ساخته بود، که طلاب بسیاری را به این شهر جذب می‌کرد. از تعدادی مدارس اهل سنت، همچون مدرسه‌ی خواجه شرف مرادی و مدرسه‌های سلطان محمد و عماد وزان نیز نام برده شده است.^۲

برپایی مراسم مذهبی در مدارس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. برگزاری نماز جماعت، مجالس و عطا، اجرای جلسات قرآن و اشاعه‌ی تعالیم مذهبی، از برنامه‌های اصلی این مدارس بود. بنابراین، چه در بعد عملی و چه نظری، مدارس ری کاملاً در خدمت مذهب و امور دینی قرار داشتند؛ همچنین، نقش مهمی در گسترش مجادلات و مناظرات شهری ایفا می‌نمودند؛ چرا که کارکرد این مدارس اختصاصی در راستای تقویت بنیان‌های فقهی یک مذهب و رد و طرد دیگر مذاهب تعریف شده بود. از این رو، در هنگام بروز کشمکش‌های اجتماعی، مدارس شهر از اولین مراکز مورد حمله‌ی گروه‌های شهری رقیب بودند.

۱. قزوینی رازی، همان، ج ۱، صص ۴۸-۴۷.

۲. حسین کریمان، همان، ج ۱، ص ۵۴۳.

نتیجه‌گیری

شهر ری در عصر سلجوقی از تنوع قومی و مذهبی بسیاری برخوردار بود. گرچه ناهمگونی‌های اجتماعی در شهرهای پرجمعیت و بزرگی مانند ری، امر غریب و پیچیده‌ای به نظر نمی‌رسد، اما فراهم‌آمدن عوامل مختلف دیگر در کنار آن، وضعیت بغرنجی را ایجاد نمود که به تدریج تعادل اجتماعی را در شهر ری بر هم‌زد.

با ظهور اشاعره و برقراری روح اشعری‌گری در عصر سلجوقی، دوره‌ای از تعصبات مذهبی و جمود فکری در شهر ری بر پاگردید که جای هرگونه تفاهم و همدلی بین پیروان عقاید و مذاهب مختلف شهر را مسدود نمود. گروه‌های شهری، که بر اساس مذهب از هم متمایز شده بودند، با تمرکز در بخش‌های متناسب به خود از تعامل و اختلاط با سایر گروه‌ها اجتناب می‌ورزیدند. این امر، به واگرایی بیش‌از پیش این گروه‌ها از یکدیگر انجامید. به همان اندازه که تعامل و آمیختگی بین گروه‌های شهری می‌توانست در کاهش تعصبات دینی مؤثر واقع شود، در همان حد نیز، کاهش تعامل و اختلاط میان گروه‌های شهری با یکدیگر، آنان را در رسیدن به یک زبان مشترک و ایجاد تفاهم با مشکل مواجه می‌کرد. بخش‌بندی شهر بین فرق ساکن در آن، زمینه‌های مفاهمه و رسیدن به الگوی زندگی مسالمت‌آمیز دور از تعصبات مذهبی را از بین برد. این بخش‌ها در شرایط رقابت و منازعه‌ی مستمر با هم قرار داشتند و در تضعیف و ضربه زدن به یکدیگر از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده می‌نمودند. یکی دیگر از دلایل بخش‌بندی کالبدی شهر ری دستیابی گروه‌های شهری به امنیت در شرایط برپایی شهر - جنگ‌ها بود.

از دیگر پیامدهای مناسبات اجتماعی حاکم بر فضای کالبدی این شهر، پیدایش نوعی معماری و ساخت و ساز در آن بود. شهر ری به علت قرار داشتن بر سر راه‌های مواصلاتی عمده، همواره شهری در دسترس و در معرض هجوم‌های خارجی بود. این وضعیت در کنار سایر شرایط برهم زنده‌ی نظم شهری، مانند کشمکش و درگیری‌های اجتماعی موجود در شهر، ساکنان ری را بر آن داشت تا موارد امنیتی خاصی را در گزیدن مکان و طراحی خانه-های خود به کار برند. ساخت خانه در کوچه‌های تاریک و باریک، ایجاد ورودی‌های دشوار و پر پیچ و خم برای خانه، همچنین طراحی راهروهای زیر زمینی برای دسترسی سریع به مناطق امن در مواقع ضروری، از ویژگی‌های بارز این نوع معماری است. یکی دیگر از آثار این شرایط، که بر اثر تداوم شهر-جنگ‌ها تشدید می‌شد، قتل و غارت اهالی شهر و ویرانی‌هایی بود که در فضای کالبدی شهر ایجاد می‌شد، که ضربات جبران ناپذیری بر حیات شهری وارد آورد، به طوری که در هنگام هجوم مغول، قسمت اعظم کالبد شهری در اثر وقوع کشمکش‌های مزبور رو به ویرانی نهاده بود.

**The Effects of Social Relation on the Physical Process of Formation
in Iranian-Islamic CITIES**

(The Sample: City of Ray, Seljukian Period)

Shahram Yousefi^۱

Muhammad Hussain Muhammadi^۲

Abstract

According to sociological findings city physical characteristics are reflection of its social structure, in other words, social system and physical structure of cities are related to each other. Therefore, through investigation of city approach analyses and examining of physical form and structure of cities we can study their social system and citizen relations.

This article will study the structure of city of Ray during the Seljukians as the center of interactions of thinkers and ulamas. The paper specifies that the city during this historical period divided into three

^۱. Associate Professor, Research Center for Human Science and Cultural Studies

^۲. Graduate Student of History of Iran

sections, and each section contained its own population structure and social relations. The paper argues that condition brought about deepening of segregation of various groups in this city, which eventually faced with social crises that increasingly threatened the city life.

Key Words: Social Relations, Religious Fanaticism, City Groups,
City Structure, Seljukians,Ray.

منابع و مأخذ

۱. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد، (۱۳۶۶)، *سفرنامه‌ی ابن حوقل*، ترجمه‌ی جعفر شعار، تهران، امیرکبیر.
۲. ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵)، *اعلاق‌النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، امیرکبیر.
۳. ابودلف، مسعر بن المهلهل خزرچی الینبوعی، (۱۳۵۴)، *سفرنامه‌ی ابودلف در ایران*، تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه‌ی سید ابوالفضل طباطبایی، تهران، کتابفروشی زوار.
۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم، (۱۳۷۳)، *ممالک و مسالک*، ترجمه‌ی محمد بن اسعد بن عبدالله تستری، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود فشاره بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۳۶۴)، *فتوح البلدان (بخش مربوط به ایران)*، ترجمه‌ی آذرتاش آذرنوش، تصحیح محمد فرزانه، تهران، سروش.
۵. جعفریان، رسول، (۱۳۸۵)، *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*، قم، انصاریان.
۶. حسنی رازی، صفی‌الدین مرتضی بن داعی، (۱۳۱۳)، *تبصره‌ العوام فی معرفه‌ مقالات الانام*، تصحیح محمد اقبال، تهران، اساطیر.
۷. حموی، یاقوت، (۱۳۸۳)، *معجم البلدان*، ج ۲، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۸. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام، (۱۳۶۲)، *حیب‌السیر فی اخبار افراد بشر*، ج ۳، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران، کتابفروشی خیام.

۹. رازی، امین احمد، (۱۳۷۸)، *تذکره‌ی هفت اقلیم*، ج ۳ تصحیح سید محمد رضا طاهری، تهران، سروش.
۱۰. راوندی، ابوبکر محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۶۴)، *راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر.
۱۱. قبادیانی، ناصر خسرو، (۱۳۷۲)، *سفرنامه‌ی ناصرخسرو*، تصحیح م - غنی زاده، تهران، منوچهری.
۱۲. قزوینی رازی، عبدالجلیل نصیرالدین ابوالرشید، (۱۳۳۱)، *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، ج ۱، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، چاپخانه‌ی حیدری.
۱۳. قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه‌ی جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر.
۱۴. قوامی رازی، بدرالدین، (۱۳۳۴)، *دیوان قوامی رازی*، تصحیح میرجلال الدین ارموی، تهران، چاپخانه‌ی سپهر.
۱۵. کریمان، حسین، (۱۳۴۵)، *ری باستان*، ج ۱ و ۲، تهران، انجمن آثار ملی.
۱۶. کوثری، یحیی، (۱۳۷۴)، "ری پایتخت حکومتی"، *پایتختهای ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۱۷. مقدسی، ابوعبدالله، (۱۳۸۳)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲، ترجمه‌ی علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۱۸. نخجوانی، هندوشاه بن سنجر، (۱۳۵۷)، *تجارب السلف*، تصحیح عباس اقبال، تهران، کتابخانه‌ی طهوری.

۱۹. نیشابوری، ظهیر الدین، (۱۳۳۲)، *سلجوقنامه*، تصحیح اسماعیل افشار، تهران، کلاله‌ی خاور.
۲۰. همائی، جلال الدین، (۱۳۱۸)، *غزالی نامه*، تهران، چاپخانه‌ی مجلس.
۲۱. همدانی، ابن فقیه، (۱۳۴۹)، *ترجمه‌ی مختصر البلدان*، ترجمه‌ی ح - مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
۲۲. یوسفی فر، شهرام، (۱۳۸۴)، «تأملاتی در مقوله‌ی شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه‌ی تاریخ ایران» *فرهنگ*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ش مسلسل ۵۶.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.